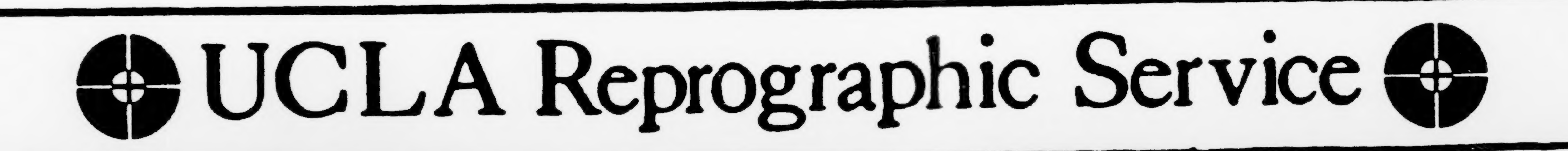


START



UCLA

REEL 62



National Preservation Program for Biomedical Literature:

Preservation of Persian and Arabic Medical Manuscripts

Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles

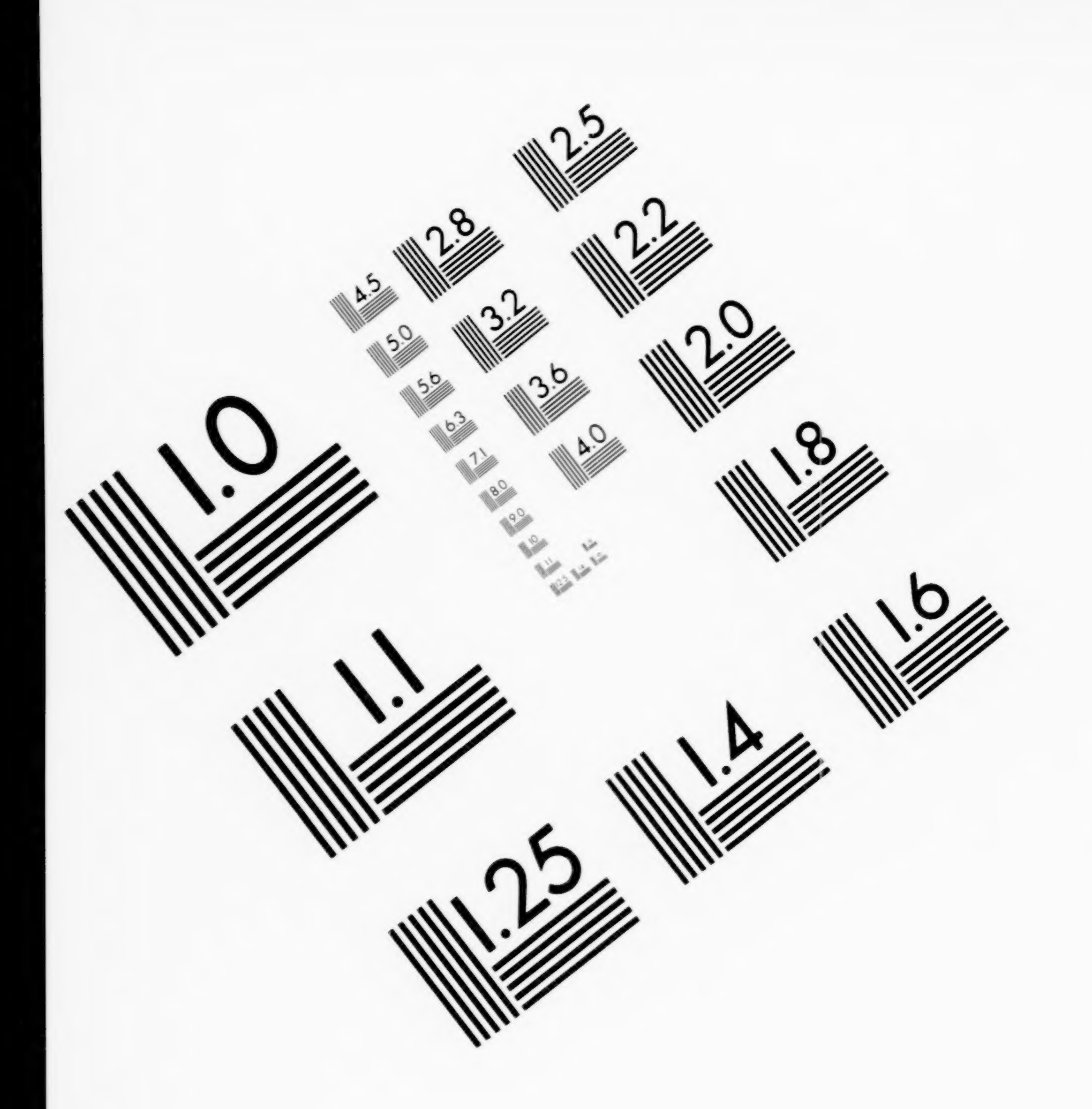
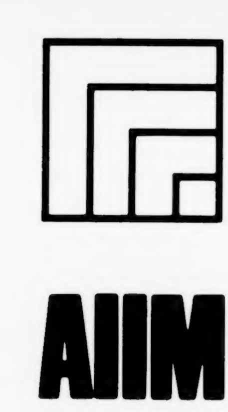
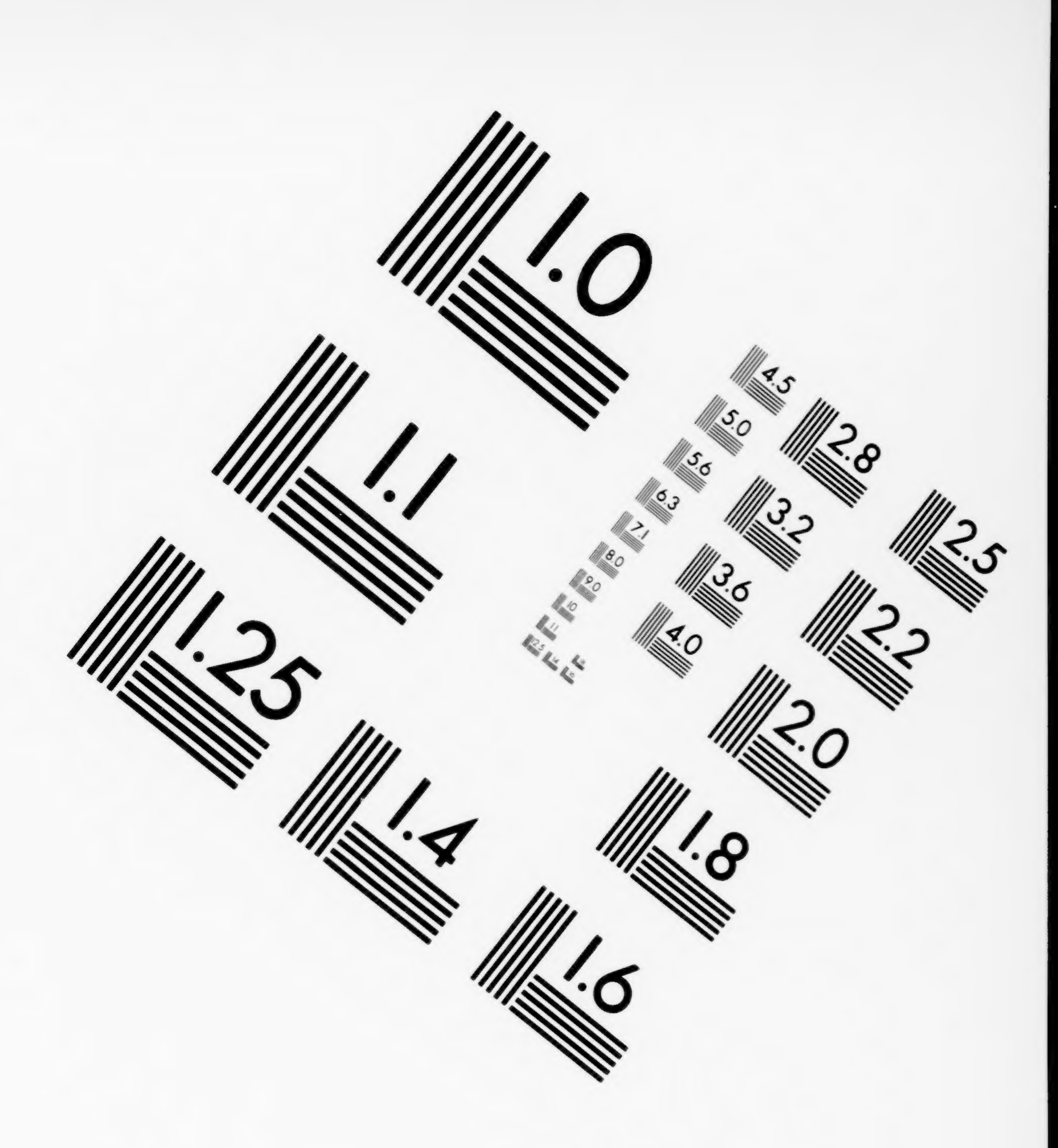
(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

The material on this microfilm
is of varying quality. Portions
of the material may illegible due to:

Aged paper
Foxed, stained, or insect
  damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink

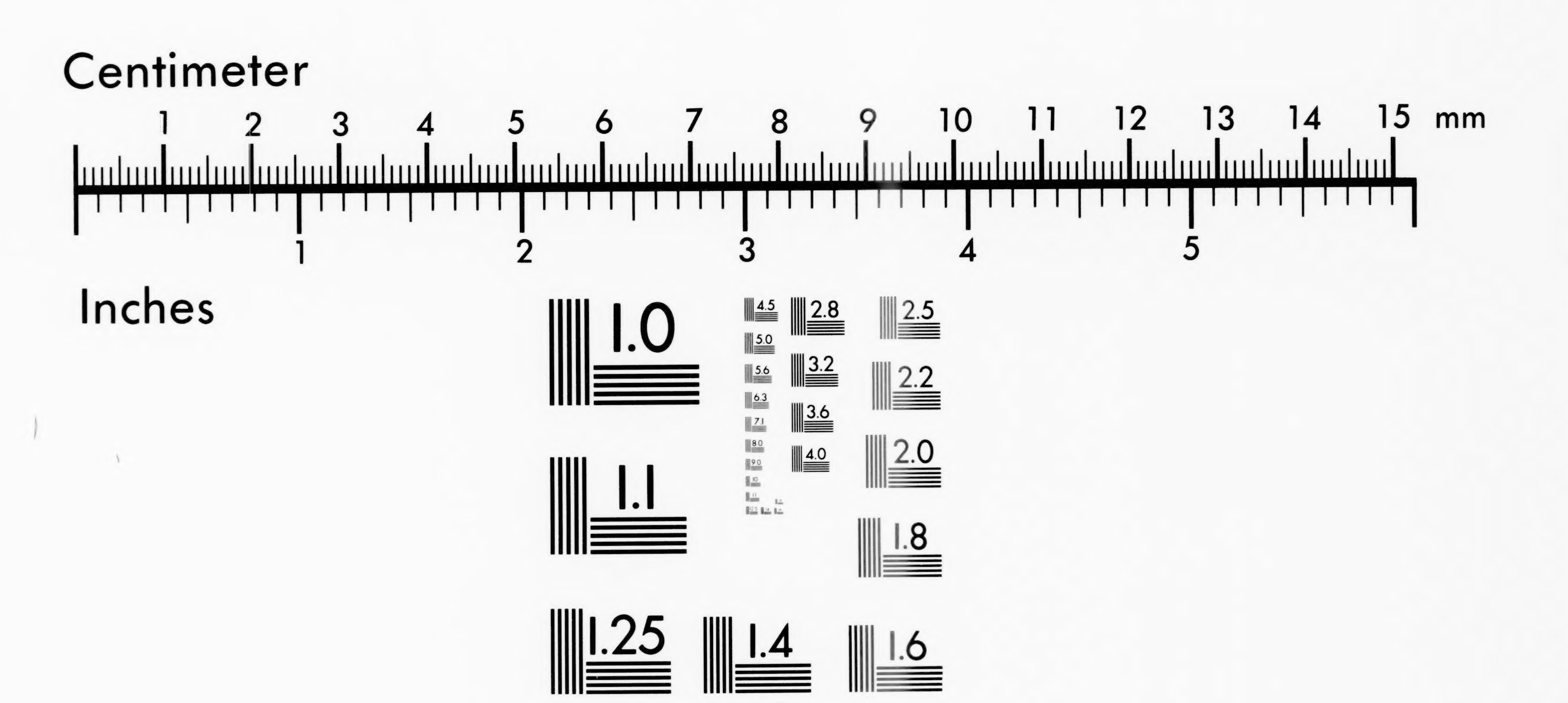
Red and purple within the
manuscripts may appear paler.

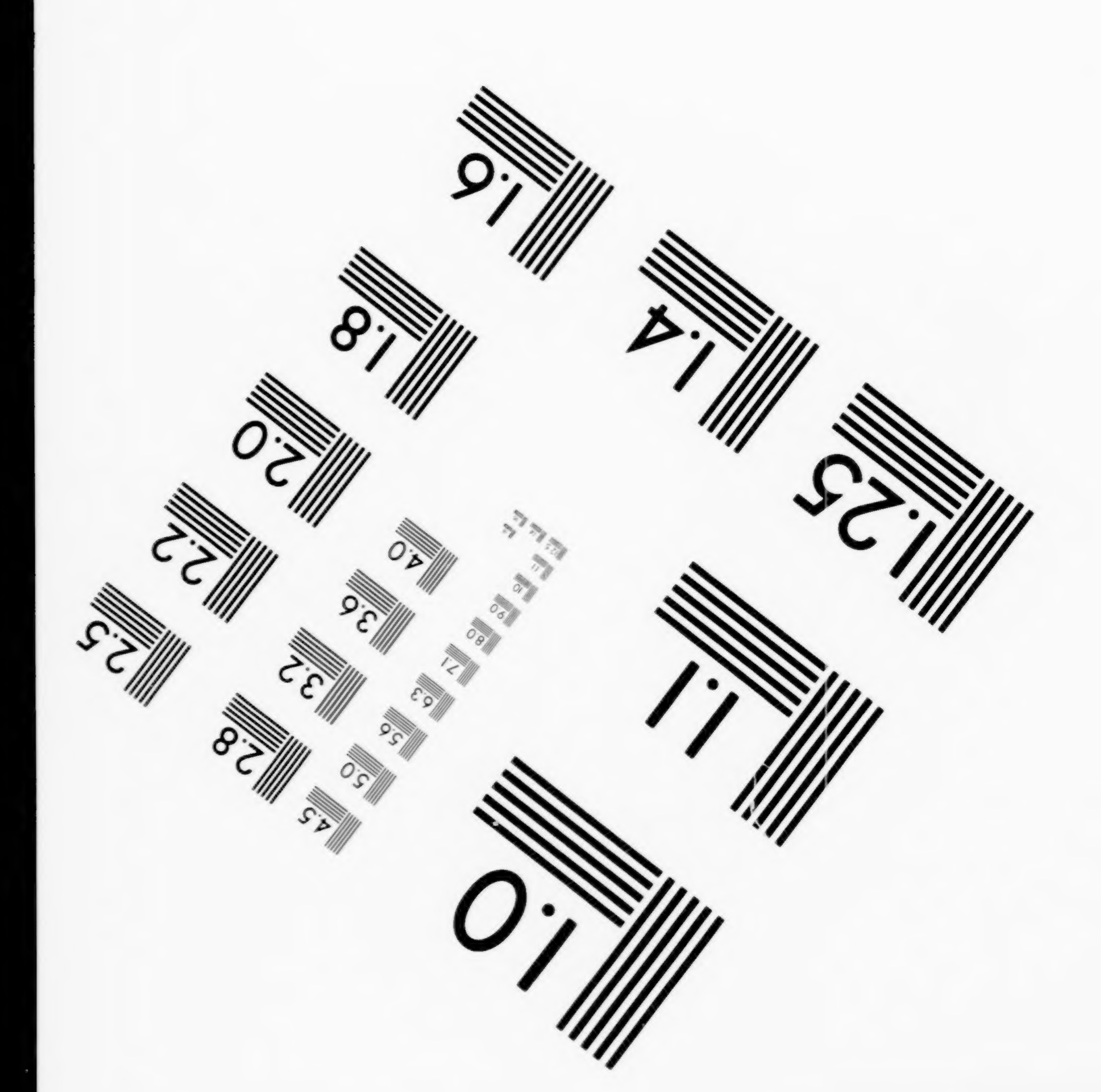
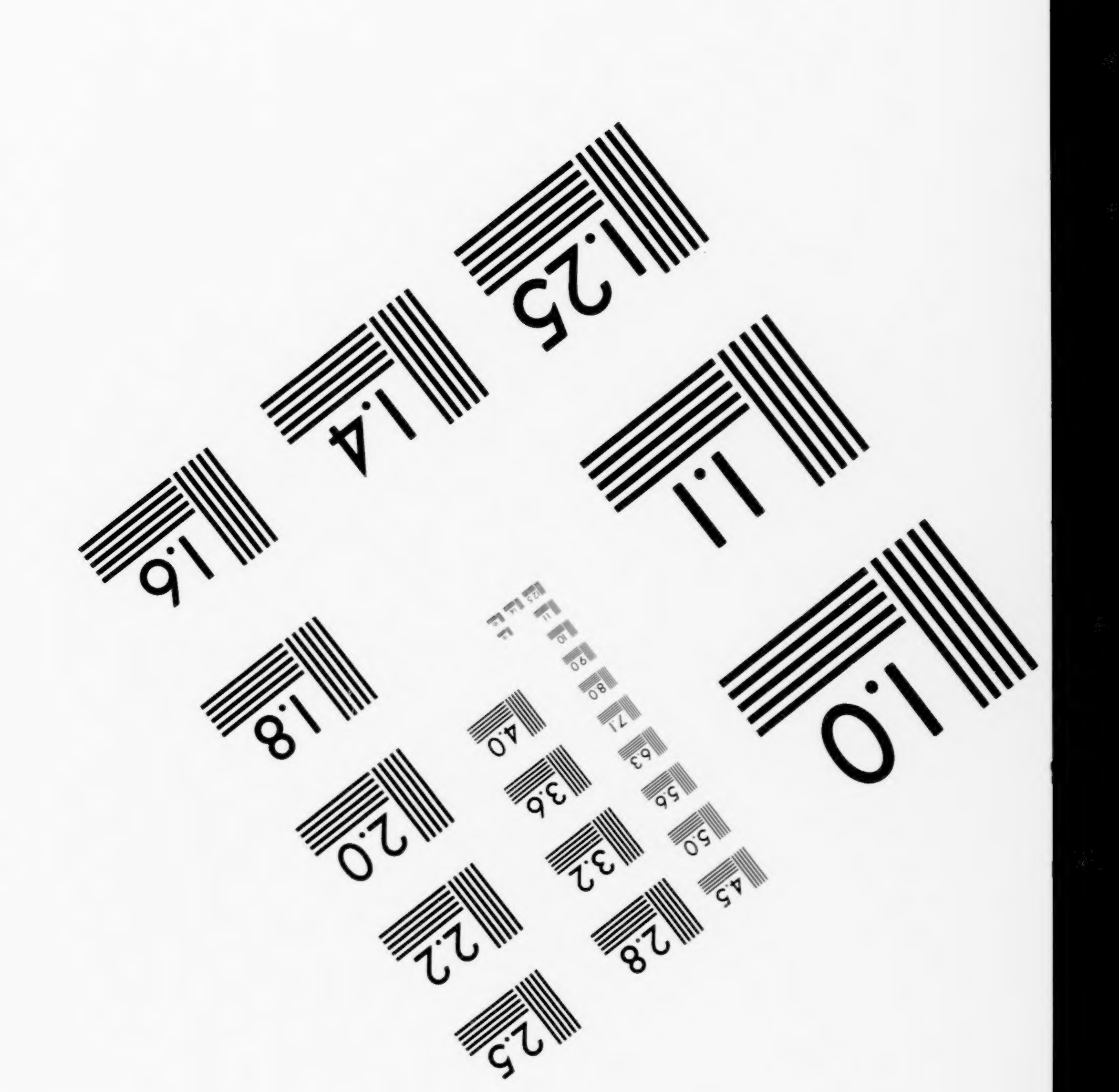




AIIM

Association for Information and Image Management

1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910
301/587-8202



MANUFACTURED TO AIIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

Persian medical manuscripts. -- ca.
1100-ca. 1900.
150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.
Entire collection microfilmed as part of a National Library of Medicine preservation project: the preservation master negative is at NLM; the printing master negative is at the University of California's Southern Regional Library Facility; a positive copy is housed in the UCLA Biomedical Library's History Division.
Formerly a part of: Near Eastern manuscript collection, Dept. of Special Collections, University Library, University of Califonia, Los Angeles, and assigned accession no. 1117. Transferred to the History Division of the UCLA Biomedical Library in

CLU-M ejf 891113 CLUHsl SEE NEXT CRD

Persian medical manuscripts. ... ca.
1100-ca. 1900. (Card 2)
March, 1986.
Finding aids: Annotated and indexed list available in library: Richter-Bernburg, Lutz, Persian medical manuscripts at the University of California, Los Angeles : a descriptive catalogue (Malibu : Undena Publications, 1978)
1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts, Medical. I. University of California, Los Angeles. Louise M. Darling Biomedical Library. History and Special Collections Division. II. Series: Near Eastern manuscript collection ; no. 1117.

CLU-M ejf 891113 CLUHsl

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 62

(Richter-Bernburg No. 150)

Author: Muḥammad b. Zakarīyāʾ ar-Rāzī

Title: Borʾo s-saʿä

5 fols., 215 x 135 mm


715

بسم الله الرحمن الرحيم

آغاز کتاب برء الساعت از مقوله حکیم فیلسوف چنین گوید حکیم کامل فیلسوف فاضل
محمد بن ذکریا الرازی تغمده الله تعالی روزی در خدمت ابو القاسم که از وزرای
عصر بود نشسته بودم سخن از علم طب میگذشت هر یکی اطبا بقدر دانش خود حکایتی
میگفت و در اثناء آن جمعی از اطباء آن عصر که بعضی از علل و امراض که در مردم
بمرور ایام حادث میشود ازاله آن میسر نیست الا بمرور ایام این کلام را همه استماع
نمودند جواب نه افزودند در حال این فقیر وزیر را مطلع ساخت که بعضی از علل و امراض
که بمرور ایام بهم رسیده باشد علاج آن بیک ساعت میسر است ازین سخن حجاعت

BLANK PAGE

اطبا تعجب نمودند و هر لحظه در حیرت افزودند تا آنکه وزیر از بنده التماس نمود که کتابی
تالیف نمائی که مشتمل بر جمیع علل و امراض و ازالهٔ آن در یکساعت میسر بوده باشد
بعد از آن باندک زمانی بتوفیق خداوند این کتاب را باتمام رسانیدم و بسر الاسرار
موسوم ساختم و این کتاب فی الحقیقت مثل کتاب سر الاسرار است بدانکه از شان
آنست که مذکور سازیم عللی که متکون میشود از سر تا قدم چون هر علت که در ساعت
واحد علاج آن ممکن نیست بعضی اعضا را گذاشته ذکر علاج بعضی اعضا که ممکن
بود کردم باب اول صداع و آن دردیست که در اعضای سر میشود هر گاه در پیش
سر و حوالی پیشانی بوده باشد از باعث غلبهٔ خون است درین هنگام همین که خون
از بدن بفصد یا حجامت اخراج کنند در حال ساکن گردد یا آنکه افیون مصری
تازه ببویند و قدری سائیده در بینی و پیشانی بمالند در حال زایل گردد و اگر چند
عدد عناب یا قدری شربت عناب یا قدری گشنیز خشک بخورد صداع برود
و اگر صداع در اوسط دماغ بوده باشد دال است بر غلبهٔ صفرا باید که خرقهٔ کتان
بروغن گل سرخ و سرکه خمر تر کرده بر سر بگذارد در حال درد ساکن شود و هر گاه
گل نیلوفر ببویند و خبازی در سرکه گذاشته باشند و از ربوب مثل رب انار
ترش و رب غوره و رب زرشک و رب انباسس و امثال آن که اطفای صفرا کنند

بخورند در وقت ساکن گردد و هر گاه صداع در پس سر بوده باشد و حوالی مخ
که عبارت از استخوان است که در پس سر میباشد بهم میرسد و این نوع
از غلبهٔ بلغم میباشد طریق علاج آن است که علیل را بفرمایند تا سکنجبین و
آب ترب بخورد و قی کند و بعد از آن آب شبت بیاشامند تا هر بلغمی که بوده باشد
باقی اخراج کند و در ریختن با آب گرم جهد کند که در حال ساکن شود و نیز روغن
با یارج فیقرا غرغره کنند در حال برطرف شود باب دوم در درد شقیقه و آن
دردیست که در یکی از دو طرف سر بهم میرسد و اطبا که آذرگون است و بخور
مریم نیز گویند با استخوان کلاب در پیش دماغ بخور کنند ساکن گردد و اگر از این
حال بانبوه عارض نشود باید که یک کف از جو گرفته در ته خم گذارند تا قطره
بر آن بچکد و نرم شود بعد از آن بیفشرند بقدر نصف وقیه از آن نیمکوفته
دانگی اشق و دانگی جاوشیر داخل نمایند و اگر یک دانگ تا دو دانگ سعوط
کنند بدماغ و احیاناً درد سر از آن بهم رسد زمستان خواه تابستان آب سرد
بر سر ریزند در حال زایل گردد باب سیوم در صرع و آن علتی است بادی که در
دماغ بهم میرسد و مانع میشود اعضای نفسانی را از افعال حس و حرکت بسبب سده
که در تجاویف دماغ حادث میشود سدهٔ غیر تامه علاج آن است که افیون و عاقرقرحا

واسطوخودوس و سپستان و بنفسج فستقی اجزاء مساوی گرفته بکوبند و بپزند و با مویز طائفی
خمیر کنند و برابر گردکان وقت نوبت تناول فرمایند در همان هفته صرع برطرف
شود باب چهاردهم در زکام که عبارت از ریختن رطوبت است بمنخرهای بینی و علاج
زکام صعب است از سایر امراض هنگامی که عارض شود باید که آبی که در غایت گرمی باشد
بر سر بریزند چنانچه دماغ احساس حرارت آن کند در حال زایل شود چون خرقه
کتان بحرارت آتش گرم کنند و بر یافوخ که عبارت از استخوان میان سر است
گذارند تا حرارت آن محسوس شود در حال ساکن شود و اگر در روز اول زکام بهم
رسیده باشد آب را بدماغ بریزند در حال نفع ظاهر شود باب پانزدهم در طنین و آن
صوتی است که صاحب آن می‌شنود و در خارج وجود ندارد چون شخصی را این
مرض عارض شود افیون تازه در آب حل کرده در گوش وی چکانند در همون ساعت
زایل گردد باب شانزدهم در سیلان عین و آن آمدن آب است از چشم هرگاه بواسطه برد
آفتاب بهم رسیده باشد چون افیون مصری بیاویزند و قدری در حوالی عین طلا
کنند در حال برطرف شود و اگر بسبب نشستن در کنار آتش عارض شده باشد
بخوردن اطعمه‌ای که مولد بلغم باشد مثل ماهی تازه و غیر آن در حال ساکن شود و بلیله کابلی
را مهر کاه صلایه کنند که چون غبار شود بمیل نقره در چشم کشند در دم آب رفتن از

3

چشم باز دارد باب هفدهم در رعاف و آن آمدن خون است از بینی اگر شخصی را
عارض شود باید که شب یمانی یعنی زاج سفید را بکوبند تا مثل غبار شود بعد از آن
در بینی وی دمند در همان لحظه ساکن شود و اگر حجامت کنند بر روی شکم وی
از آن جانب که خون می‌آید بگذارند در همان ساعت بایستد باب هجدهم
در وجع اسنان و آن دردی است که در دندان بهم میرسد طریق علاجش آن است
که حلیل را بفرمایند تا دو حبه مویزج بگیرد و در پاره از پنبه پیچیده با آب گرم تر کنند
و بر بالای سنگ گذاشته بسنگ دیگر آن را خوب بکوبند بر دندانی که درد
دارد بگذارند در زمان ساکن شود و اگر بوزن یک قیراط شیر که بر برگ عشر که
یتوعان است می‌نشیند که اگر آدمی در سایه آن درخت بنشیند در حال هلاک
میشود آن را بگیرند و در اندک پنبه پیچیده بر دندانی که درد دارد بگذارند ساکن
شود و اگر بآتش نیز داغ کنند فی الحال برطرف شود و میل آهن یا جوال دوز
گرم کرده اندرون انبوبه یا ماشوره کرده بر آن دندان بگذارند همان لحظه درد
برطرف شود باب نوزدهم در قلع اسنان یعنی کندن بغیر آهن عاقر قرحا در سرکه
بگذارند تا خمیر شود و بر دندانی که خواهد بگذارند با آسانی کنده شود همان ساعت
به شود باب بیستم در بخر که بوی دهان است باید که مویز طائفی با برگ مورد تر

کشند فکوبند و غلولها سازند هر یک بقدر فندقی بخورد همان لحظه بلا بوی برطرف شود

باب یازدهم در خناق و آن عبارت از امتناع نفوذ نفس است بجانب ریه و قلب

چون عارض شخصی شود رب توت با زبل کلب غرغره کنند دوم دفع شود دیگر اوار

آن است که سگ سفید البته غیر استخوان چیزی ندهند که بخورد بعد از آن زبل

آنرا بگیرند و صاحب خناق را دهند که غرغره کند و دفع آن بغرغره سرکه و گلاب

و آب گشنیز البته میشود باب دوازدهم در دفع علق که آنرا بپارسی زلو گویند چون

شخصی را در گلو بچسبد باید که بسرکه کهنه غرغره کند در حال از گلو ساقط شود

و اگر یکدرم مگسی که در میان باقلا میباشد بگیرند و بکوبند و در شراب حل سازند

و بصاحب مرض دهند که غرغره کند در حال از گلو جدا گردد و بپایین رود باذن الله تعالی

باب سیزدهم در قولنج و آن مرضی است مولم که در امعا بهم میرسد و محتبس میشود

درین مرض طبیعت چون شخصی را قولنج عارض شود یکدانگ از معجون بلوکبا

تناول کنند نفع بلیغ ظاهر شود و اگر حنظل بگیرد و شحم آن برآورده و مساوی

نخودی فتیله کرده علیل را دهند تا برگیرد در حال تحلیل رود و اگر احیاناً بسبب آن

بیتابی و بخشنی در ناف بهم رسد باید که یک کف گشنیز و اندکی از زیره

و گزو یک کف از صعتر و الخیداران خالص و یک کف از انار دانه بقدری آب در

دیگ کرده خوب طبخ دهد و مقدار نصف رطل از ان آب گرفته یک وقیه انگار

اضافه نمایند و برهم زنند و بخورد در حال ساکن گردد باب چهاردهم در خلفه و آن

اشیایی است که بچسبیده باشد چون صاحب این مرض را صندل و کافور و آب

ریحان بر شکم طلا کنند اثر عظیم دهد و اگر اقراص کنند که در منصوری در باب خلفه

مذکور شده بدو دهند بغایت نافع باشد باب پانزدهم در زحیر صبیان و آن پیچش است

که صبیان را عارض شود چون یک مثقال تخم تره ترک و سه مثقال زیره کرمانی بکوبند

و بپزند و بروغن گاو کهنه خمیر کنند و با شیر مادر بطفل دهند در حال برطرف شود و اگر شیره

بزغاله با شیر مادر بطفل دهند فی الفور ساکن شود باب شانزدهم در بواسیر و آن

شیره خپیده است که بر سفره عارض شود چون یکدرم بوف شامی که فیلگوش خوانند

در زیر دامن وی بخور کنند وجع در حال ساکن شود و اگر یک دانگ مقل ازرق با

یکدرم بوف حل کرده در زیر دامن وی بخور کنند درد ساکن شود باب هفدهم در خروج

مقعد و این حال اطفال را بیشتر عارض میشود باید که سم گوسفند و شاخ آنرا گرفته

بسوزانند و بعد از آن بکوبند و بپزند و جفت بلوط و گلنار و باشب یمانی و مازو و

ورق گل سرخ و پوست انار و برگ مورد تر مجموع اجزا مساوی بکوبند گرده

با اندک آبی در دیگ کرده بجوشانند و ادویه در آن حل کنند و قتیکه مقعد برآید در آن

آب بقل را بنشانند و آن اجزا را بران بمالند و با انگشت درون کنند که ایستد و
بیرون نمی آید باب هیجدهم در عرق النسا و آن وجعی است که در سرین و طرف استخوان
نشستنگاه بهم میرسد و از انجا از جانب وحشی تا بزانو منتهی میشود و گاه بکعب
نیز میرسد و این علتی است عظیم الخطر طریق علاج آن است که حب سقوطری و بلیله
زرد و سورنجان از هر یک یکدرم بگیرند و با آب خمیر کرده حبها ساخته تناول نمایند
چون بحبس محتبس اطلاق واقع شود در حال آن وجع ساکن گردد باب نوزدهم
در جراحات جراحتی که تازه بهم رسد صمغ عربی و بلوط را کوفته بران پاشند در حال ساکن
شود و اگر هلیله کابلی را بکوبند و با آب کافور یا روغن زیت و یا عسل خام با هم آمیخته
بران گذارند در حال ساکن شود باب بیستم در جراحات کهنه و آن جراحتی است که عسر البرء
باشد طریق علاج آن است که روغن گاو که مدت هفتی سال بران گذشته باشد
با آن فتیله پنبه چرب کرده در ته آن جراحت گذارند که چرک آمدن باز دارد و زود
خوب کنند باب بیست و یکم در قروح بواسیر و آن قروح چند پاره است که
همیشه چرک و خون و آب از آن می آید علاجش همین که توتیا سبز بران پاشند
چرک و خون و آب از آن باز ایستد و درد ساکن شود باب بیست و دوم در حرق
النار گاه باشد که بسبب سوختن عضو بسیار وجع شدید بهم میرسد باید که مرداسنگ

5

اصفهانی و بوره ارمنی و برگ گل سرخ و حنا اجزا برابر گرفته موضع سوخته
بروغن گل مالیده ادویه را بران پاشیده فی الحال وجع ساکن شود و جراحت
زود به گردد باب بیست و سیوم در سقطه و ضربه و آن آنست که عضوی را از اعضا
جائی ضرب رسد یا بشکند یا کوفته گردد باید که اقاقیا و صبر و مغاث و ماش و
گل ارمنی اجزا مساوی کوفته و بیخته با آب مورد تر کرده با پر مرغ خانگی بران عضو
طلا کنند در حال درد ساکن گردد باب بیست و چهارم در اعیا و آن ماندگی است که در تردد
بهم میرسد که دفعه تغیری میشود که نتوانند حرکت کرد که جمود در مفاصل بهم میرسد
و با آن حال می ماند که از نشست نمیتواند برخاست و اگر ایستاده نمیتواند نشست
و جای دیگر رفتن را قدرت نباشد علاج آن است که ناخنهای را بهر روغنی که
میسر شود بمالند در حال درد ساکن شود و حرکت تواند کرد و اگر در تابستان
باشد تا زانو در آب سرد در آمدن و در زمستان در آب گرم شوید در آمدن
استادن نیز عجیب النفع است در حال ماندگی و تعب بر طرف شود باذن الله
تمام شد بروز الساعت از مقوله حکیم فیلسوف بهروز پنجشنبه در شنبه ۱۲

BLANK PAGES



BLANK PAGE